

پرولتارهای جهان متحد شوید!

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

اخیراً صورت اسامی ۹۶ نفر از کسانی که رژیم دیکتاتوری شاه به محاکمه جلب نموده و نام نویسنده مترقی محمود اعتمادزاده (به 'ذیرت') و پسرش کاوه نیز در عداد آنهاست. در جراید انتشار یافته است. اغلب اینان کسانی هستند که ضمن یورش وحشیانه چماق داران و چاقو کشان شاه در آذرماه گذشته بهنگام جلسه سخنرانی دانشگاه آریامهر و پس از ختمات آن دستگیر شده اند. چنانکه از خبر انتشار یافته در جراید پیداست، اتهامی که برای این عده ساخته و پرداخته اند

افشاء توطئه رژیم علیه عناصر ترقیخواه وظیفه همه رزمندگان راه آزادی است

ساخته اند. بهترین دلیل صحت این ادعا آنست که حتی یک نفر هم از آن باصطلاح 'مردم شاه دوست' که از روی 'غیرت میهن پرستی' و بمقابله با دانشجویان و استادان آزادیخواه برخاسته اند و بالتبینه این ماجرای تحریک آمیز را پدید آورده اند در زمره دستگیر شدگان دیده نمیشود.

آنچه بیشتر بی پایگی این اتهامات را ثابت میکند و این پرونده سازی شرم آور بر مراد میسازد این است که مأموران ساواک شبانه به خانه به آذین میریزند و پس از آنکه باشیبه خانه را شخم زده، زیر و رو میکنند و پایه های درخت ها و سیخ کباب و افزار دنباله در صفحه ۲

عبارت از این است که دانشجویان پس از پایان جلسه حین عبور از خیابان نه تنها 'مظل نظم' شده اند بلکه گویا شیشه هایی از بانکها یا مغازه ها را شکسته و لذا سر تکب جرم مندرج در ماده ۲۶۱ قانون کیفر عمومی 'یعنی تهب و غارت و اتلاف اجناس، نیز گردیده اند! نفس رویداد، علت واقعی این پرونده سازی را روشن میسازد. چاقو کشان ساواک برای مرعوب ساختن مردم در کوشه جنب دانشگاه کمین کرده بهنگام خروج، شرکت کنندگان را مورد حمله و هجوم قرار داده، مدعیان را مضروب و مجروح ساخته شیشه های برخی از مغازهها را شکسته و زمینه را برای مناخله مأموران رسمی تحت عنوان 'حفظ نظم' فراهم

درد شور انگیز بمردم قهرمان تبریز! (اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

روز شنبه ۲۹ بهمن ماه در یکسلسله از شهرها و از جمله تبریز، اهواز و غیره، تشره های مختلف مردم برای نشان دادن خشم و اعتراض خویش نسبت به رژیم دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات مردم در شهر تبریز دامنه ای وسیع یافت. در این شهر نیروهای مسلح بدستور جبارانه شاه و برای حفظ رژیم استبدادی و ضد منای وی، مردم بر سلاح را در معرض گلوله باران وحشیانه و حمله سینه تانکها و مسلسل ها قرار دادند. عده کثیری از مردم تبریز در اثر این ایلغار ددمشانه شهید و یا مجروح شدند. در جریان این حوادث رژیم بنا بشیوه همیشگی خود با دست زدن به یک سلسله خرابکاری بدست چاقو کشان و اوپاشان ساواک، در تقلاست این بربورث آدمکشانه خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظم دست به تظاهر زده بودند، مورد آزار و اهانت و تعقیب قرار دهد. سخنگویان بشیرم رژیم در مجاس و سنا و رسانه های گروهی با بکار بردن صفاتی که پرازانده خود آنها و ارباب تاجدار آنهاست، در حق مردم شرافتمند تبریز انتسابات زشت بکار میبرند. ما درود پرشور خود را به مردم دلاور تبریز، این گهواره ارجحند آزادی و جنبش مترقی در میهن ما، ابراز میداریم و به گلوله باران سینه مردم از طرف رژیم ضد ملی و استبدادی شاه با حدیثی هر چه تمامتر اعتراض میکنیم. حزب توده ایران در برابر شهدای این فاجعه بزرگ سر تعظیم فرود میآورد و همدردی و همستگی خود را با بازماندگان آنان ابراز میدارد. حوادث تبریز زلزله بزرگی است که در کاخ پلید استبداد محمدرضا شاهی روی داده و بزرگترین موج جنبش مردم در سالهای اخیر است. و نشأت میدهد که در 'جزیره ثبات' طرفداران خشم هنگامی می غرد. این حوادث یکبار دیگر نشان داد که سرب آتشین قادر نیست مردم از جان گذشته ای را که برای نیل با استقلال و دمکراسی پنهی خاسته اند و از رژیم استبدادی بچال بیزارند، بهراساند. مبارزه طبقات و قشر های متحد خلق علیه رژیم ادامه دارد و گسترش مییابد. حزب توده ایران با تمام نیروی خود پشتیبان و شریک این مبارزات است. حزب توده ایران از همه نیروهای مترقی و ضد رژیم دعوت میکند که با تمام قوا برای سوق بیشتر توده ها بمبارزه، همه مساعی و ابتکارات خود را بکار برند و در این مبارزه سرسختی و پیگیری نشان دهند.

پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضا شاه! متحد باد نیروهای مخالف رژیم در نبرد علیه ارتجاع سیاه! درود شور انگیز ما به مردم قهرمان تبریز!

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران
اول اسفند ۱۳۵۶

فرخنده باد هشتم مارس - روز بین المللی زنان

توده های زن بزرگیم. رژیم و مسائل وسیع تبلیغاتی آن به مناسبت و بدوخت مناسبت از پیشرفت زن در اجتماع امروزی ایران و 'حقوق برابری' که با مرد دارد دم میزنند و ادعا میکنند که خوشبختانه دیگر تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد و آخرین حلقه های اسارت کهن زن در ایران. در پرتو انقلابات رنگارنگ در هم شکسته و زن موجودی است آزاد، با حق و متکی به قوانین بسیار درست!

زن ایرانی نه از نقطه نظر قوانین خانوادگی و نه از حقوق اجتماعی نه تنها برابر با مرد نیست بلکه به جرأت میتوان گفت که در خیلی از نقاط ایران و شاید در اکثر روستاها و شهرهای کوچک زنجیرهای قوانین فئودالی همچنان به قوت خود باقی است و او را همان برده و کنیز و ستمکش نگاه داشته اند. در روزنامه کیهان در باره سرنوشت زنی نوشته شده که چون میخواسته بکاردی شغول گردد شوهرش او را طلاق میدهد. شوهرش پسرنیاله شانرا (که از بس از جور شدن از مادر گریه کرده و بیپوش افتاده بود) در برابر چشم همه بقل میزند و میبرد. در همین پیش آمد به دو اصل بزرگ آزادی و حق زن که زیر پا گذاشته شده برمیخوریم: نخست اینکه زنیکه میخواهد کار کند باید با رضایت شوهر باشد، دوم اینکه اگر زن طلاق گرفت بچه اش را از او میگیرند. هم حق کار و هم حق مادری بر پایه قوانین حاکم در ایران از زن سلب شده است.

روز هشتم مارس، روز بین المللی زنان، فرصتی است برای تجدید سخن درباره یکی از مهم ترین مضامین حل نشده جامعه ما، یعنی مسئله برابری حقوق اجتماعی و اقتصادی زن ایرانی، که رژیم شاه آنرا محل شده، جلوه میدهد. زنان ایران اکنون بیش از هفتاد سال است به اشکال مختلف در راه نیل به این برابری حقوق مبارزه میکنند و از کلیه امکاناتی که در اختیار داشتند، خواه امکانات 'قانونی' و خواه امکانات انقلابی در راه خواسته های دمکراتیک خویش، بی خشکی، بی بیکار کرده اند و اگر امروز زن ایرانی به دستاوردهای محدود و سطحی نیز رسیده، نتیجه این نبرد طولانی است. اکنون نیز زن ایرانی، هم در نبرد صنفی و هم در نبرد وسیع اجتماعی خلق سهم شایسته ای را ادا میکند.

زنان ایران و یوزده زنان زحماتش علاوه بر مبارزه عمومی دمکراتیک که یک مبارزه صنفی است و همه زنان مترقی و خواستار برابری حقوق اجتماعی را در بر میگردد، در عین حال در مبارزه طبقاتی خود برای رهایی از بهره کشی طبقاتی، اسارت در جنگ غارتگران امپریالیستی شرکت میکنند. آموزگار بزرگ انقلاب لنین در گفتگوی خود با کلارا تسکین چنین گفت: نباید بیلونها زن زحمتکش شهر و ده را در مبارزه خودمان شرکت دهیم. بدون یاری زنان یک نهضت واقعی توده ای غیر ممکن است... و لازم است بطور وسیع دست به یک کار منظم در میان

در کارخانه ها و مزارع و کارگاه ها چه فصلی و چه دائمی نیروی زنان بمقدار قابل توجهی به کار برده میشود اما مرد آنها از مردان کمتر است و هیچ قانون کاری از کارگران فصلی یا زنان قالیباف حمایت نمینماید. زنان قالیباف که در سراسر ایران در هرده و دهکده و حتی شهرها مشغول هستند همان بردگان

صادر کننده اسلحه به سومالی ایران است

روزنامه پروادا در ۱۸ فوریه ۱۹۷۸ مینویسد: خبر نیکار جبرگزاری یونایتد پارس اینترنشنل طی گزارش خود ازموکاد یوشو مینوسد صدور تسلیحات از کشورهای عضو پیمان ناتو و رژیمهای ارتجاعی کشورهای خاور نزدیک و میانه به سومالی تشدید شده است. در گزارش متذکر شده است که در مجال دیپلماسی گفته میشود: صادر کننده عمده تسلیحات به سومالی ایران است که طی دو هفته اخیر ۱۰ فرزند کشتی حامل خمپاره انداز، مرمیات برای توپخانه سنگین و راکتهای ضد هوایی به موکادیشو روانه کرده است.

در بودجه عمومی کشور از ۵۷ درصد در آغاز برنامه پنجم به ۶۰٫۵ درصد در سال ۱۳۵۷ یا آغاز برنامه ششم افزایش یافته است. طبق برنامه تجدید نظر شده قرار بود طی سال این برنامه، جمعا ۱۵۰ میلیارد ریال (۲٫۲ میلیارد دلار) وام خارجی دریافت شود و اکنون فقط طی یک سال ۱۳۵۷، یعنی آغاز برنامه ششم، دولت ناگزیر بلخند وامی بهنگام میزان شده است. اگر باین مبلغ، که برای تأمین کسری بودجه عمومی است، مبلغ ۱۶۲ میلیارد ریال وام خارجی شرکت ها و مؤسسات انتفاعی وابسته بولت را نیز اضافه کنیم، به رقم سرسام آور ۳۱۲ میلیارد ریال (۴٫۴ میلیارد دلار) خواهیم رسید، که تاکنون در ایران سابقه نداشته است.

بودجه نامتعادل. در بودجه پیشنهادی دولت مدعی است که فقط ۱۴۰ میلیارد ریال کسری دارد، ولی واقعیت جز اینست. اگر وامها و اعتباراتی را هم که دولت برای جبران کسری بودجه کل باید از داخل و خارج دریافت کند، بحساب آوریم، این کسری به رقم، بلزوم بیست و سه میلیارد ریال (بیش از ۱۰ میلیارد دلار) بالغ خواهد شد. این کسری حدود ۴۹ درصد درآمد نفت و ۱۸ درصد بودجه کل کشور است!

نظامیگری و اختناق. در بودجه ۱۳۵۷ هزینه های مستقیم نظامی به بیش از ۷۰۰

بودجه سال ۱۳۵۷ یک بودجه ضد ملی و ضد خلقی دیگر

بودجه سال ۱۳۵۷ سرآغاز برنامه عمرانی جدیدی است که تاکنون حتی خطوط کلی آن اعلام نشده است. سرآغاز پس متزلزل، پس از پایان سخت آشفته ی و اجتماعی برنامه پنجم تجدید نظر شده ای، 'آهنگه هیاهو در بله' بلند پروازانه، بودن و درخشانی، که ببار خواهد آورد، 'مردم اراده اکنون ثمرات این برنامه را بصورت آشفته گی امانی در سراسر اقتصاد، نارضایتی و خشم در تمام تر پیش چشم داریم، که تشدید تضادها و ش مبارزه ها از پیامدهای ناگزیر آنست. در مقابله با این وضع است، که دولت ایجاد ن مناسب برای تداوم رشد معقول و متعادل ی و اجتماعی، 'دکوشهای خستگی ناپذیر در با فورم... و از میان برداشتن تنگناها، و نظم و امنیت داخلی، را سرلوحه برنامه های ی و اجتماعی و سیاسی خود در بودجه ۱۳۵۷ کرده است. ولی این بودجه نیز، صرف نظر از ت معین تر بعضی از ارقام، تکیه های مشخص بر جوانب، که بشیوه گذشته ناشی از شرایط روز گرفته است، مانند تمام بودجه های دوران استبداد رضا شاهی دارای چند خصالت اساسی است و آن ملی ضد ملی، ضد خلقی و ضد دمکراتیک

بودجه وابسته. بودجه سال ۵۷ نیز مانند تمام بودجه های دوران پس از کودتا، 'بودجه ایست که از لحاظ درآمد، وابسته به امپریالیسم است. این وابستگی، در درجه اول، از راه درآمد نفت، که سرورشش در دست عمده ترین کشور های امپریالیستی است و نیز از راه اخذ وام های اسارت یار از کشورهای امپریالیستی برقرار میشود. سهم این درآمد

